





سرشناسه: پورامینی، محمدباقر، ۱۳۴۷ -
عنوان و نام پدیدآور: پاکت در بسته: درباره علم امام معصوم/ نویسنده محمدباقر پورامینی.
مشخصات نشر: مشهد: آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی، ۱۳۹۱.
فروست: رهنما؛ ۶۱.
شابک: 978-600-6543-51-2
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
بازداشت: کتابنامه .
موضوع: علم امام
شناسه افزوده: آستان قدس رضوی .معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
رده بندی کنگره: BP/۲۲۲۳۴/۱۳۹۱۳۴۲۹پ۹/
رده بندی دیوبی: ۴۵/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی: ۲۸۲۸۳۹۳



۶۱ → پاکت در بسته درباره علم امام معصوم

نویسنده: محمدباقر پورامینی
آستان قدس رضوی
چاپ هشتم: پاییز ۱۳۹۱ (ویرایش جدید)
معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
نشانی: حرم مطهر امام رضا (ع)، اداره پاسخ گویی به سؤالات دینی
تلفن: ۰۵۱۱-۳۲۰۲۰ دورنگار: ۰۵۱۱-۲۲۴۰۶۰۲ rahnama@aqrazavi.org

به کوشش محمدحسین پورامینی
ویراستار: محمد مهدی باقری
طراح لوگوی رهنما: مسعود نجابتی
طراح جلد: علی بیات





﴿ رسیدن برای یافتن راه، خود، ارزش است...
و هر فرهنگی که به پرسشگری بها دهد
و زیباترین، دقیق‌ترین و ساده‌ترین پاسخ‌ها را پیشِ رو بگذارد،
گسترش و دوام خود را تضمین کرده است.
مهم، انتخاب بهترین راه است...
و **ره‌نما** گامی است در این مسیر.
همگام ما باشید و با طرح دیدگاه‌های رنگارنگتان، یاری‌مان کنید.



مَعْرِفَةُ



پاکت در بسته (درباره علم امام معصوم)

دغدغه این نوشتار پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر است:

؟ اگر فقط خدا عالم غیب است، چرا به علم غیبی معصومان: اعتقاد داریم؟ (چرا)

؟ گستره و مرز علم پیامبر و ائمه اطهار: کجاست؟ (چقدر)

؟ ابزار آگاهی و خاستگاه دانش ایشان چیست؟ (چگونه)

؟ باوجود داشتن علم به گذشته و حال و آینده، درافتادن ائمه به مصائب جانکاهی مانند

نوشیدن زهر و شهادت و...، چه توجیهی برمی‌تابد؟



درآمد

۷

پاگت در بسته (درباره علم امام معصوم)

امامت، در بیان، جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و در امور دینی و دینوی، پاسداری دین و رهبری امت است؛ از این رو، می توان امامت را تداوم نبوت در دوران خاتمیت نامید.^۱ در فرهنگ شیعه، امامت و رهبری انسان ها چه در بُعد معنوی و الهی و چه در بُعد اجتماعی، عالی ترین درجه و مقامی است که خداوند عز و جل به انسانی واگذار می کند و مدالی که به این نام بر سینه کسی می چسباند، عالی ترین مدال هاست.^۲

بدیهی است فردی که پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر مَسند او می نشیند و زمام هدایت مردم را به سمت سعادت به دست می گیرد، باید ویژگی ها و شروط خاصی داشته باشد: او ضمن دارا بودن مقام عصمت و عهده داری منصب امامت از سوی خداوند عز و جل باید داناتر و عالم تر از همه

۱. مطهری، مجموعه آثار، ج ۴، ص ۷۳۹.

۲. همان، ج ۳، ص ۳۲۰.



باشد؛ یعنی برخوردار از علم الهی و آگاه به تمام معارف و احکام شریعت.^۱
پیشوایان معصوم علیهم السلام به دلیل جایگاهی که از سوی خداوند عز و جل عهده‌دار آن‌اند، داناترین و
عالم‌ترین افراد به حقایق دینی‌اند؛ از این رو، علم آنان، ویژگی اساسی و منحصر به فردی تلقی
می‌شود. به دلیل وجود برخی پرسش‌ها در باب بی‌کرانگی علم امام و برخورداری ایشان از
علم غیب و شناخت مرزها و همچنین علل استفاده یا عدم استفاده از آن، نکاتی به اختصار
بیان می‌کنیم.

۱. ربانی گلپایگانی، امامت در بینش اسلامی، ص ۲۱۲.



نشانه علم غیب

با چند نفر از یاران امام رضا علیه السلام خدمتش شرفیاب شدیم. ساعتی نزد امام نشستیم. چون خواستیم باز گردیم، امام به من فرمودند: «احمد، تو بنشین.» همراهانم رفتند و من خدمت امام ماندم. سؤالاتی داشتم؛ به عرض رساندم و امام پاسخ فرمودند... تا پاسی از شب گذشت. خواستم مرخص شوم. امام فرمودند: «می روی یا نزد ما می مانی؟» عرض کردم: «هرچه شما بفرمایید. اگر بفرمایید بمان، می مانم و اگر بفرمایید برو، می روم.» فرمودند: «بمان؛ این هم رختخواب.» آنگاه امام برخاستند و به اطاق خود رفتند.

[احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی که از دعوت ویژه امام در پوست خود نمی گنجید، خرسند از این لطف ویژه، سر به سجده گذاشت؛ او ادامه ماجرا را این گونه گزارش می کند:]
من از شوق به سجده افتادم و گفتم: «سپاس خدای را که حجت خدا و وارث علوم پیامبران، در میان ما چند نفر که خدمتش شرفیاب شدیم، تا این حد به من محبت فرمودند.» هنوز



در سجده بودم که متوجه شدم امام به اطاق من بازگشته‌اند. برخاستم. حضرت دست مرا گرفتند و فشردند و فرمودند که امیرمؤمنان علیه السلام به عیادت صعصعة بن صوحان رفت و چون خواست برخیزد، به صعصعه فرمودند: «از اینکه به عیادت تو آمده‌ام، به برادران خود افتخار مکن. عیادت من باعث نشود که خود را از آنان برتر بدانی. از خدا بترس و پرهیزکار باش. برای خدا تواضع و فروتنی کن. خدا تو را رفعت میبخشد.»^۱

[...شب به نیمه رسیده بود و احمد بن محمد تنها بود و در فکر بی‌کرانگی علم امام. با این اندیشه، چشم برهم نهاد.]

اما ماجرای دیگر...

۱. محمد بن عمر کَشّی، رجال کشی، ص ۵۸۷؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۹۲.



[ابی حبیب بناجی اهل مرو بود و شیفته پیامبر ﷺ و خاندان والاگوهرِ او. خوابی دید که بی درنگ در بیداری تعبیر شد: تنها به فاصله بیست روز. تعبیر خوابش نشان از بی کرانگی علم امامت داشت. این ماجرا از زبان اوست:]

رسول خدا ﷺ را در خواب دیدم که در بناج، در مسجدی فرود آمد که هر سال، حجاج در آن مسجد فرود می آمدند. گویا من نزد او رفتم و سلام کردم و پیش روی او ایستادم. نزد او طبقی یافتم که از برگ خرما، مدینه بافته شده بود و در آن طبق، خرما، صیحانی بود. پیامبر ﷺ از آن خرما مشتی برداشتند و به من عطا کردند. آن خرما را شمردم: هجده دانه بود. پس از بیداری، خواب را چنین تعبیر کردم که به عدد هر خرما، یک سال زندگانی می کنم! وقتی بیست روز گذشت، در زمینی که زارعان، آن را برای کشت آماده می کردند، ایستاده بودم که کسی نزد من آمد و مرا خبر داد به آمدن حضرت رضاعی ﷺ از مدینه و نزول آن بزرگوار در آن مسجد. مردم را دیدم که نزد او می شتافتند. من نیز به خدمت آن حضرت



رفتم. دیدم آن جناب در موضعی نشسته‌اند که رسول ﷺ را در خواب دیده بودم. زیر پای مبارکش، تخته حصیری گسترده بود؛ مثل آن حصیری که زیر پای پیغمبر بود. در پیش روی او طبقی قرار داشت که از برگ خرما بافته شده و حاوی خرمای صیحانی بود. بر آن جناب سلام کردم. پاسخ داد و مرا نزد خود طلبید. یک مشت از آن خرما به من عطا فرمودند. آن خرما را شماره کردم: عدد آن به قدر عدد خرمایی بود که رسول خدا ﷺ در خواب به من عطا فرموده بودند. عرض کردم: «یا بن رسول الله، بیشتر از این به من عطا فرما.» فرمودند: «اگر رسول خدا زیاده از این به تو عطا فرمود، ما هم زیاده از این به تو عطا می‌کردیم»^۱

۱. طبرسی، إعلام الوری، ص ۳۲۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۱۵۳؛ راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۴۱۲؛ شیخ صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۱۰؛ علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۳۱۳؛ ابن حجر، الصواعق المحرقة، ج ۲، ص ۵۹۴؛ شبلنجی، ص ۲۴۳.



۱۳

پاکت در بسته (درباره علم امام معصوم)

این دو نمونه، نشانی از علم غیب علی بن موسی علیه السلام بود؛ دانشی الهی که شرط امامت است و ائمه: جملگی بدان آراسته‌اند.





بنیان علم غیب

به راستی، علم بی کرانه و غیبی امام از کجا ریشه می گیرد و به کدام سرچشمه متصل است؟ مگر خدا نمی فرماید: «بگو هر که در آسمان ها و زمین است، جز خدا، غیب را نمی شناسد»^۱ و در آیه ای دیگر: «کلیدهای غیب تنها نزد اوست و جز او، کسی آن ها را نمی داند.»^۲ این کلام الهی، با دانش امام چه تناسبی دارد؟

در پاسخ باید به این نکته توجه کرد که در کنار آیات یادشده، آیات دیگری هست که پرده از علم غیب برخی از اولیای برگزیده خدا برمی دارد: «دانای غیب اوست و هیچ کس را بر اسرار غیبش آگاه نمی سازد؛ مگر رسولانی که آنان را شایسته و پسندیده بداند.»^۳

۱. ﴿قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ﴾ نمل، ۶۵.

۲. ﴿وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ﴾ انعام، ۵۹.

۳. جن، ۲۶ و ۲۷.



بنابراین، آیاتِ بخش نخست، از علمِ غیبِ ذاتی خدا خبر می‌دهد و آیاتِ بخش دوم، از علمِ غیبِ افاضی و وحیانی؛ یعنی غیر خدا تنها به تعلیم و اذن الهی می‌توانند به علمِ غیب دست یابند.^۱

وقتی فردی با اخبارِ غیبی امام رضا علیه السلام روبه‌رو شد، تاب نیاورد و با گستاخی گفت: «علمِ غیب را فقط خدا می‌داند.» پاسخ حضرت شعله‌ شیهه او را فرو نشانند: «خداوند متعال در قرآن فرموده است: **عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يَظْهَرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنْ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ**؛ پس، رسول خدا از کسانی است که علمِ غیب را می‌داند و ما هم ورثه آن رسول می‌باشیم و اخبار آینده را تا روز قیامت می‌دانیم.»^۲

۱. علامه مجلسی معتقد است: «منظور از اینکه علمِ غیب را از خود نفی می‌کنند، این است که علمِ غیب را جز از طریق وحی و الهام نمی‌دانند؛ اما از طریق وحی و الهام نمی‌توان نفی کرد. زیرا عمده معجزات پیامبران و اوصیا اطلاع و اخبار از مسائلِ غیبی است. خداوند خود نیز آنان را در این آیه استثنا کرده است: **إِلَّا مَنْ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ**» بحار الانوار، ج ۳، ص ۱۹۶.

۲. بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۷۵.



درباره گستره و ریشه علم غیب امامان: درنگ در چند نکته، شناخت ما را از پیشوایان معصوم: عمق می‌بخشد و به معرفت ما می‌افزاید:

۱. علم و اراده امام تابع علم و اراده الهی است. از آنجاکه آنان، به تعلیم الهی، از علوم غیبی آگاه بودند و این علم نیز همچون سایر کمالات، از طرف خداوند عَلَّیْهِ السَّلَام به آنان اعطا شده است، الهی است؛ بنابراین، می‌توان گفت علم امام «علم غیب تعلیمی» و خدادادی است. چنان‌که امیرمؤمنان عَلَّیْهِ السَّلَام دانش اهل بیت معصوم را به دانش خدا متصل می‌دانست^۱ و در پایان نبرد جمل، از برخی حوادث آینده خبر دادند و فرمودند: «این علمی است که از دارنده علم آموخته‌ام»^۲.

۱. «الا و انا اهل البيت من علم الله علمنا و بحکم الله حکمنا و من قول صادق سمعنا». ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۷۱ عَلَّیْهِ السَّلَام.

۱. مردی از قبیله بنی کلب پرسید: «لقد أُعْطِيتَ يا امیرالمؤمنین علم الغیب؟» امام فرمودند: «لیس هو علم الغیب و انما هو تعلم من ذی علم». نهج البلاغه، خطبه ۱۲۸.



۲. علم امام آینه تمام‌نمای عالم هستی است؛ یعنی علم گذشته و حال و آینده را شامل می‌شود.^۱ از این رو، همگان اذعان داشتند هر پرسشی که از امام رضا علیه السلام می‌شد، پاسخ آن را می‌دانست.^۲ دشمن نیز اعتراف به علم بی‌کران ایشان داشت و مأمون، امام رضا علیه السلام را معدن علم توصیف می‌کرد.^۳

۳. امام وارث علم پیامبران اولوالعزم و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است و او، هم علم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را دارد و هم علم پیامبران را.^۴ همچنین، خداوند عز و جل علم امامان را همچون علم پیامبر اکرم،

۱. کلینی، کافی، ج ۱، باب انّ الائمه علم ما کان و ما یكون.

۲. إعلام الوری، ص ۳۲۸.

۳. حرانی، تحف العقول، ص ۴۱۶.

۴. حضرت صادق علیه السلام فرمودند: «انّ الله خلق اُولی العزم من الرسل و فضلهم بالعلم و اوزننا علمهم و فضلنا علیهم فی علمهم و علم رسول الله (ص) ما لم یعلموا و علّمنا علم الرسول و علمهم». بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۱۹۴.



از علم پیامبران الهی بیشتر قرار داده است.^۱ حضرت زین العابدین علیه السلام فرمودند: «به خدا قسم، آنچه انبیا و رسل می دانند، من می دانم» و افزودند: «و نَزَادُ مَا لَمْ تُزِدِ الْأَنْبِيَاءُ» (= اضافه از آنچه انبیا داشتند، داریم).^۲

۴. خداوند عز و جل در علم را به سوی امامان گشوده است و آنان با اشارات عالم غیب و سروش فرشتگان آشنایند. هیچ چیز از احکام الهی و شریعت، از آنان پوشیده نیست. زمانی که از گستره علوم غیبی امامان یاد می شود، می توان به علم الکتاب، شرایع آسمانی، گذشته و آینده، اسرار درونی و آشنایی با زبان همه مخلوقات،

۱. امام باقر علیه السلام ضمن تأکید بر عالم تربودن علی علیه السلام از انبیای الهی، به عبدالله بن ولید دلیل آن را چنین بیان کردند: «مگر نمی گویند علی دارای علم پیامبر است؛ پس با آنان در این زمینه این گونه استدلال کن که خداوند عز و جل درباره موسی علیه السلام می فرماید: ﴿وَكُتِبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ﴾ (اعراف، ۱۴۵). معلوم می شود که تمام مسائل را به او نیاموخته است. خداوند عز و جل درباره محمد صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: ﴿وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَوَاءٍ شَهِيداً وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَتْلُونَا لِكُلِّ شَيْءٍ﴾ (نحل، ۸۹). محمد بن حسن بن فروخ صفار، بصائر الدرجات، ص ۲۲۸.

۲. بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۱۹۸.



حتی حیوانات، اشاره کرد.^۱

۱. نک: دانشنامه امام علی علیه السلام، ج ۳، مقاله حسن یوسفیان، «علم غیب امام»، ص ۳۵۲ تا ۳۵۶.
برخی از عالمان اهل سنت نیز بر علم غیب امام اعتراف کرده اند؛ به جز ابن ابی الحدید (شرح نهج البلاغه، ج ۵، ص ۴) می توان به
اعتراف ابن عربی اشاره کرد؛ او علم لدنی و اسرار سر الهی را برای امثال علی علیه السلام ممکن می داند. (ابن عربی، الفتوحات، ج ۱، ص ۱۵۱).



خاستگاه علم غیب

منابع علم ائمه اطهار علیهم السلام متعدد و متنوع است. این منابع به آنان علوم و آگاهی‌های فراوان و نیز خطاناپذیری می‌بخشد تا بتوانند مأموریت الهی خود را به‌خوبی انجام دهند.^۱ درباره خاستگاه علوم غیبی امامان، این امور بیان شده است:

۱. الهام: با رحلت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم باب وحی بسته شد، اما راه الهام برای پیشوایان معصوم باز است. آنان محدث‌اند و صدای فرشته را می‌شنوند^۲ و همچنین با روح الهی در ارتباط هستند. کسی که روح الهی را دریابد، از رویدادهای گذشته و آینده و آنچه در دل

۱. نک: مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج ۹.

۲. شیخ مفید، اختصاص، ص ۳۲۹. دریافت امامان از فرشتگان البته به‌معنای همسانی با پیامبران در دریافت وحی تشریعی نیست؛ بلکه ارتباطی است همچون خضر و مریم که مطابق ظاهر آیات الهی، با فرشتگان ارتباط داشتند و حقایقی از عالم غیب دریافت می‌کردند.



مردمان زمین و آسمان است، آگاه می‌شود.^۱ به فرموده امام صادق علیه السلام: «امام هروقت اراده کند چیزی را بداند، خدا او را مطلع می‌کند.»^۲ در فرمایشی از امام کاظم علیه السلام، علم حال و حاضر ائمه از سنخ الهام و بهترین علم ائمه دانسته شده است.^۳

۲. فراگرفتن از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: ایشان تمامی معارف اسلام را به علی علیه السلام آموختند و پس از او نیز این علوم نسل به نسل به امام بعدی منتقل شد.^۴

۳. قرآن: این معجزه الهی دارای ظاهر و باطنی است و درک و تفسیر و تأویل آن، تمییز

۱. نک: شیخ مفید، تصحیح الاعتقاد، ص ۱۰۰.

۲. «أُذِ ارَادَ أَنْ يَعْلَمَ الشَّيْءَ أَعْلَمَهُ اللَّهُ ذَلِكَ». بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۵۷. همچنین، حارث بن مغیره نضری گفت: «به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم اگر سؤالی از امام بشود و پاسخش را ندانند، از کجا می‌فهمند. فرمودند: به قلبش القا می‌شود یا به گوشش می‌خورد». شیخ مفید، تصحیح الاعتقاد، ص ۱۰۰.

۳. کافی، ج ۱، ص ۲۶۴.

۴. نک: طباطبایی، المیزان، ج ۲۰، ص ۱۳۵.

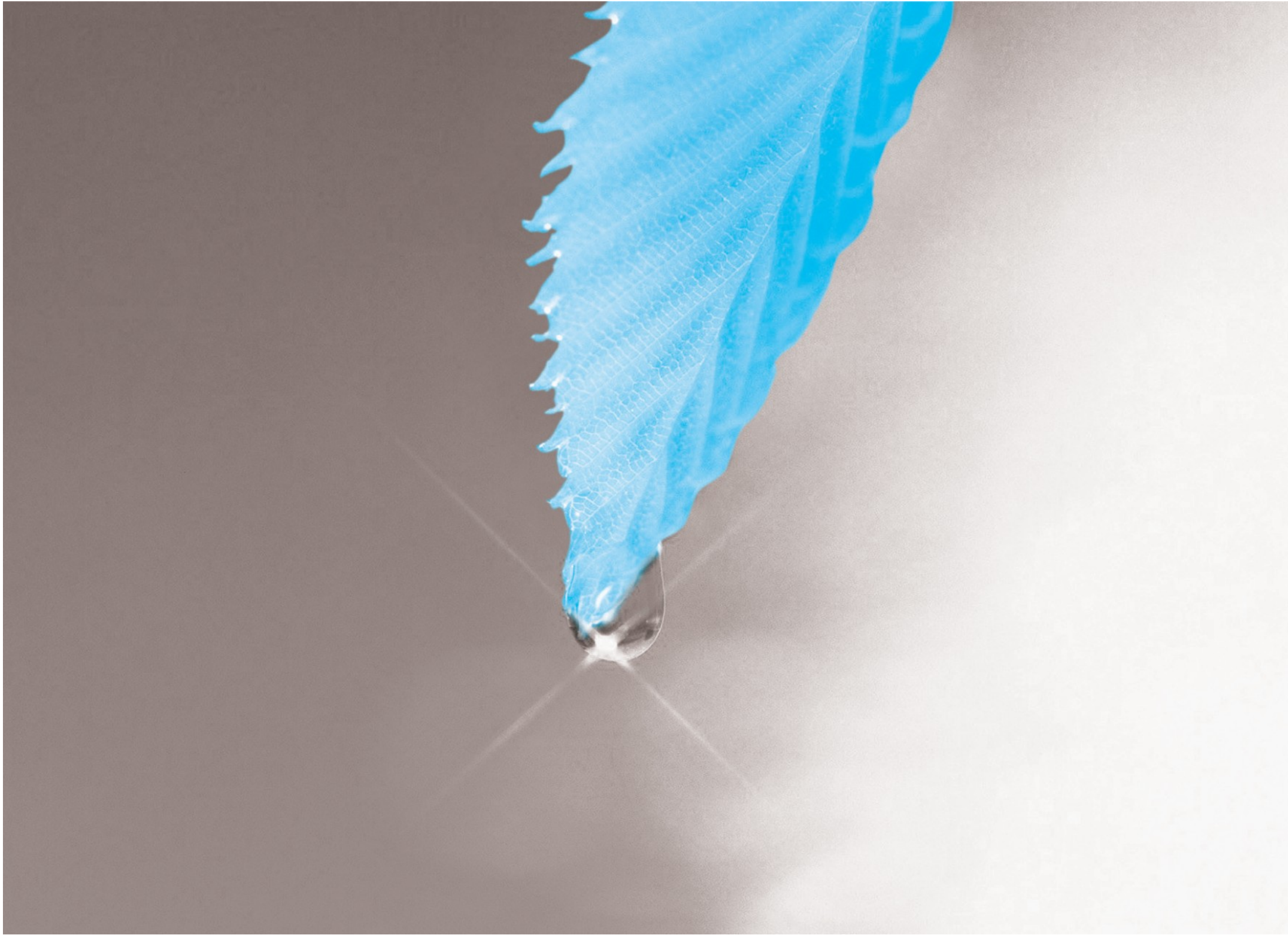


ظاهر از باطن و نیز محکم از متشابه، تنها از امام معصوم ساخته است؛ به فرموده امیر سخن: «همانا در قرآن دانش آینده است و حدیث گذشته. درد شما را درمان است و راه سامان دادن کارتان در آن.»^۵

این نکته بسیار مهم است که منابع آسمانی و غیبی دیگری به عنوان خاستگاه علوم امامان مطرح است که گواه تنوع و تعدد آن است. با توجه به این گستردگی منابع فرابشری است که پیامبر ﷺ در حدیث ثقلین درباره اهل بیت خود فرمودند: «به آنان چیزی یاد ندهید؛ چراکه آنان از شما عالم ترند.»^۶

۵. «أَلَا أَنَّ فِيهِ عِلْمَ مَا يَأْتِي وَ الْحَدِيثَ عَنِ الْمَاضِي وَ دَوَاءَ دَائِكُمْ وَ نَظْمَ مَا بَيْنَكُمْ». نهج البلاغه، خطبه ۱۵۸.

۶. «لَا تَعْلَمُوهُمْ فَهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ»، کافی، ج ۱، ص ۲۸۶.





مرز علم غیب

باوجود علم غیب امامان علیهم السلام چرا گاهی آنان انگور یا خرما یا دیگر اشیای مسموم را تناول می کردند و به شهادت می رسیدند؟ درباره شناخت امیرمؤمنان علیه السلام از قاتل خود، خوردن سم توسط امام حسن علیه السلام، کشته شدن امام حسین علیه السلام و همچنین درباره امام رضا علیه السلام که می دانستند انگوری که جلویشان گذاشته اند مسموم است، چه پاسخی وجود دارد؟

در پاسخ، دقت به نکات زیر شایسته است:

۱. دانش و آگاهی پیامبران و ائمه اطهار علیهم السلام بر دو نحو است:

۱.۱. علمی که از راه عادی برای آنان فراهم می آید که در این گونه دانش ها، با دیگر مردم

تفاوت چندانی ندارند؛

۲.۱. علمی که برای آنان از راه های ماوراءطبیعی (وحی و الهام) حاصل می شود که به

آن، علم لدنی یا علم غیب می گویند.



۲. پیامبر ﷺ و ائمه اطهار: در مسائل عادی و فردی و امور اجتماعی، موظف به استفاده از علم عادی بوده‌اند. از این رو، همواره در این گونه مسائل، از شیوه‌های معمولی، تحقیق و کسب آگاهی کرده و براساس آن عمل می‌کردند. سرّ این مسئله نیز آن است که آنان، الگوی بشریت‌اند و اگر در مسیر زندگی و حرکتهای اجتماعی، راهی غیر از این بی‌پایند، دیگر جنبه اسوه‌بودن خود را از دست خواهند داد و دوستداران و پیروان به بهانه آنکه آنان با علم لدنی عمل می‌کرده‌اند، از حرکتهای سازنده و انقلابی و اصلاحی باز خواهند ایستاد.

۳. عمل دائمی براساس علم غیب، موجب اختلال در امور است؛ زیرا اراده غالب خداوند عزّوجلّ به جریان امور، براساس علم عادی بشری تعلق گرفته است. به همین جهت، معصومان علیهم‌السلام برای شفای بیماری خود و اطرافیانشان از علم غیب استفاده نمی‌کردند. شاید یکی از حکمت‌های ممنوعیت روی‌آوری به نجوم یا تسخیر جن برای کشف غیرعادی حوادث آینده



نیز همین اختلال در امور است.^۱

۴. عمل براساس علم غیب، در برخی مواقع با حکمت نصب معصومان: منافات دارد؛ زیرا در این صورت، جنبه اسوه و الگوبودنِ خود را از دست خواهند داد و سایر افراد بشر از وظایف فردی و اجتماعی خود به این بهانه، یعنی ناآگاهی از علم غیب، شانه خالی خواهند کرد.

۵. تکالیف دینی معصومان: همواره برطبق علومی بوده که از مسیرهای عادی برای آنان پیدا می‌شده است؛ مثلاً پیامبر و امامان: منافقان را خوب می‌شناختند و می‌دانستند که آنان ایمان واقعی ندارند؛ ولی با آنان هرگز به شیوه‌ای مشابه با نحوه رفتار با کفار برخورد نمی‌کردند و از نظر معاشرت و ازدواج و دیگر احکام، با آنان به‌مانند سایر مسلمانان رفتار می‌کردند. همچنین، هنگامی که در مسند قضاوت و حل‌وفصل مشکلات مردم می‌نشستند،

۱. صافی گلپایگانی، معارف دین، ج ۱، ص ۱۲۱.



مطابق قوانین قضایی اسلام حکم کرده و از علوم غیرعادی خود استفاده نمی‌کردند. نیز، میوه یا غذایی را تناول می‌کردند که پیش روی آنان بود و مانعی از خوردن آن نمی‌دیدند.

۶. علم غیب، گاهی به امر واقعی تعلق می‌گیرد که حتمی و تغییرناپذیر است. بنابراین، برخی چیزهایی که پیامبر و امامان: از طریق غیبی می‌دانند، همان چیزی است که حتماً واقع خواهد شد. این‌گونه آگاهی، چیزی نیست که با آن بتوان تغییری ایجاد کرد و سرنوشت چیزی را تغییر داد.

۷. پیشوایان ما وظیفه نداشتند در تمامی امور طبق علومی عمل کنند که از راه‌های غیرعادی برای آنان حاصل می‌شد؛ به عبارتی چنین علم لدنی موضع امام را در برابر تکالیف خود که حتمی الوقوع است تغییر نمی‌دهد؛ اساساً قضای حتمی خداوند مثل شهادت امام



از آن جهت که حتمی الوقوع است متعلق اراده و قصد انسانی قرار نمی گیرد.^۱ وظیفه آنان این بود که نخست، نظام تکوینی این عالم را مراعات کنند و سپس، چون سایر مردم با این پیش آمدها روبه‌رو شوند. به بیان دیگر، بدیهی است که سرانجام هر انسانی مرگ است و هیچ آفریده‌ای در این جهان عمر ابدی نخواهد داشت.

۸. البته خوردن میوه زهرآلود توسط امام رضا علیه السلام از روی اجبار بوده است و امام از شیوه شهادت خود خبر داشتند. حضرت به اباضیت فرمودند: «اگر بعد از ملاقات با مأمون، هنگام برگشتن، عبا را روی سرم دیدید، بدانید که مأمون کار خودش را کرده است.» ایشان ضمن آگاهی، گزینه دیگری فراروی خود نداشتند.

۹. همه اموری که امام معصوم علیه السلام انجام می‌دهد، به خواست خداوند متعال وَعَزَّ وَجَلَّ بستگی دارد:

۱. نک: رخ شاد، در محضر علامه طباطبائی، ص ۱۷۴.





﴿بل عباد مکرمون. لایسبقونه بالقول و هم بامرہ یعلمون﴾^۱

۱۰. علم غیب برای پیامبر و امامان: بالفعل نیست؛ بلکه شأنی است و هرگاه اراده کنند و بخواهند چیزی را بدانند، خداوند عَزَّوَجَلَّ آنان را آگاه خواهد کرد. به فرموده حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَام: «امام وقتی بخواهد چیزی را بداند، خداوند او را آگاه خواهد کرد.»^۲ بنابراین، امام اگر بخواهد می‌داند: خواستن برای او دانستن است. از این رو، می‌توان علم غیب امام را به «پاکتی دربسته» همانند کرد که برای آگاهی از محتوا می‌تواند آن را بگشاید.

۱. انبیا، ۱۷ و ۲۶.

۲. «إِذَا أَرَادَ الْأَمَامُ أَنْ يَعْلَمَ شَيْئاً أَعْلَمَهُ اللَّهُ ذَلِكَ». بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۵۷.



برای مطالعه بیشتر

۱. امامت و رهبری، مرتضی مطهری.
۲. معارف دین، صافی گلپایگانی.
۳. پیام قرآن، مکارم شیرازی، ج ۹.
۴. امامت، محمد حسن قدردان قراملکی.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.